

توصیه‌های اخلاقی اسلام پس از طلاق (۲)

نرگس زرین‌جویی*

در جلسه قبل با برخی از مسائل طلاق آشنا شدیم در این جلسه نیز به ادامه این بحث می‌پردازیم. همان‌طور که اشاره گردید آموزه‌های دینی ما را به رعایت اصولی قبل از طلاق و در حین طلاق ملزم نموده است، همین‌طور بعد از طلاق نیز به رعایت اصول اخلاقی در تعامل با همدیگر ملزم ساخته است. در دیدگاه اسلام، شخصیت انسان‌ها دارای حرمت ذاتی است و این احترام نباید حتی بعد از جدایی نیز شکسته شود. توصیه‌های اخلاقی اسلام، از اتمام در جهت کاستن از آثار منفی و ناخوشایند بعد از طلاق خبر می‌دهد.

الف) پرهیز از کارشکنی

بیش‌تر طلاق‌ها، منشأ درست و قابل توجهی ندارد، بلکه با بهانه‌های کودکانه و بر اثر لجاجت‌های زن یا شوهر انجام می‌گیرد؛ و موضوعات کوچک و بی‌اهمیتی سبب طلاق می‌شود و ارزش آن را ندارد که به خاطر آنها کانون مقدس زناشویی از هم پاشد، ولی نادانی و خودخواهی زن یا شوهر، امر جزئی را چنان مهم جلوه می‌دهد که سازش را غیر ممکن می‌گرداند. برخی افراد پس

* کارشناس ارشد فلسفه اخلاق.

از طلاق متوجه می‌شوند که با اندکی گذشت و صبر می‌توانستند کانون خانواده را ویران نکنند، از این رو، با مواجه شدن با مشکلات، ضمن پشیمانی از گذشته به دنبال زندگی دوباره با همسر خود هستند. در این صورت، نه تنها نباید مانع تراشی کرد، بلکه اطرافیان باید کمک کنند تا بار دیگر زندگی سالم و آگاهانه شکل گیرد. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران [سابق] خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می‌گیرند [و به آن، عمل می‌کنند]. این [دستور]، برای رشد [خانواده‌های] شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگی‌ها مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. رجوع مرد به همسری که طلاق داده، مزایایی بر ازدواج مجدد دارد^۲ از جمله:

۱. زندگی با همسر جدید به تجربه جدید نیاز دارد، ولی زندگی با همسر سابقش، زندگی همراه با تجربه است.
۲. رفتن به سراغ همسر جدید، هزینه‌های جدیدی را بر عهده مرد قرار می‌دهد.
۳. گاهی بازگشت به زندگی قبلی، موقعیت اجتماعی زن و مرد را در جامعه حفظ می‌کند و کدورت‌هایی را که در اثر طلاق به وجود می‌آید، برطرف می‌کند.
۴. فرزندان که کانون گرم خانوادگی آنها بر اثر طلاق متلاشی شده بود، دوباره به آغوش خانواده باز می‌گردند و لطمه‌ی روحی که بر اثر طلاق خورده‌اند، جبران می‌شود.
۵. گاهی بازگشت به زندگی، روحیه گذشت و صبر و ایثار را در زندگی شکوفا می‌کند.^۳

(ب) رازداری

اگر رأی دادگاه به طلاق انجامید، در این صورت نیز اجازه‌ی بیان مسائل اخلاقی و چگونگی طلاق با شرح جزئیات برای دیگران وجود ندارد. بی‌شک آنچه در بین زن و شوهر گذشته است

۱. بقره، آیه ۲۳۲.

۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۶۸.

در دایره ناسازگاری بوده و لزومی به توجیه دیگران و تشریح وقایع و بردن آبروی مؤمن نیست. زوجینی که مدت‌ها با هم زندگی مشترک داشتند به رازها، کاستی‌ها و عیوب یکدیگر آگاهند. رسم مروت نیست که پس از جدایی برای تسکین و تبری خود، رازها را برملا کنیم و عیوب طرف مقابل را به رخ آشنایان بکشیم. اصول اخلاقی حکم می‌کند که این اسرار هنگام طلاق دفن شود و طرفین درصدد سودجویی از رازی که دیگری نزد وی دارد، حتی نزد فرزندان فاش نکنند و آن را امانتی از جانب یکدیگر نزد خودشان تلقی نمایند. زن و مرد باید با الگوگیری از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام بعد از طلاق از فاش کردن اسرار و بازگو کردن عیوب یکدیگر خودداری کنند. خداوند متعال درباره رازداری می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانِ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا.» خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها [ی دیگران] را اظهار کند مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست. «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا»^۱ اگر خیری را آشکار کنید یا پنهانش دارید، یا از بدی درگذرید، پس خدا درگذرنده تواناست. در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «مَنْ هَتَكَ حِجَابَ أَخِيهِ هَتَكَتْ عَوْرَاتُ بَيْتِهِ»^۲؛ کسی که پرده از روی اسرار برادر مسلمانش بردارد خداوند عیوب او را بر ملا می‌کند.»

خامشی به که ضمیر دل خویش به کسی گویی و گویی که: مگوی ای سلیم! آب ز سرچشمه بیند که چو پر شد، نتوان بستن جوی^۴

رازداری قهوه‌چی

در زمان علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمته‌الله، از علمای بزرگ نجف اشرف، قحطی عجیبی آمد و مردم محتاج باران شدند؛ اما هرچه دعا کردند، اثری نداشت، تا این‌که به حضور شیخ آمده و از او خواستند دعا کند. شیخ جعفر در حرم امیر مؤمنان علیه‌السلام دست به دعا برداشت و عرض نمود: ای مولای من! مردم محتاج باران می‌باشند؛ با این همه نماز و دعا، مردم اثری ندیده‌اند. از خداوند بخواهید عنایتی بفرماید. در عالم رؤیا، شیخ به محضر حضرت مشرف شد و امام علیه‌السلام فرمود: شیخ

۱. نساء، آیه ۱۴۸.

۲. نساء، آیه ۱۴۹.

۳. کراچی، محمد، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۱۳۴.

۴. سعدی، گلستان، باب ۸، ص ۱۷۱.

جعفر! مردی قهوه‌چی در بین راه کوفه و نجف است. بگو او در مراسم دعا شرکت کند. شیخ بیدار شد و از این که از بین این همه عالم و عارف در حوزه علمیه نجف، امام علیه السلام یک قهوه‌چی را انتخاب کرد، شگفت‌زده شد.

او طبق فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام در بین راه کوفه و نجف، مرد قهوه‌چی را پیدا نمود. شب را در قهوه‌خانه گذراند. شیخ دید این مرد، فردی عادی است و نماز معمولی می‌خواند؛ نه دائم‌الذکر است و نه اعمال ویژه‌ای انجام می‌دهد. مثل مردم عادی هم دعا می‌کند. به همین جهت، از مقام معنوی او با آن زندگی معمولی متحیر شد. نزد قهوه‌چی آمد و گفت: ای مرد! توجه ارزشی در پیش خداوند داری که مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام تو را وسیله استجاب دعا قرار داده است؟ علت این جایگاه بلندت را بگو. چگونه به چنین مقامی دست یافته‌ای؟

مرد قهوه‌چی گفت: من در دوران جوانی شاگرد قهوه‌خانه بودم. مادرم می‌گفت: آرزو دارم تو را داماد کنم. پولی جمع کردم و به مادرم دادم. او دختری برایم خواستگاری کرد. مقدمات عروسی من مهیا شد؛ اما شب زفاف، عروس را خیلی مضطرب و متوحش یافتم، گفتم: چر ناراحت و مضطرب هستی؟ گفت: واقعیت این است که من سرمایه عفت را از دست داده‌ام و این راز را هیچ‌کس جز خدا نمی‌داند. حال خود دانی!

من از این آزمون به خداوند عالم پناه برده و استمداد طلبیدم و گفتم: خداوندا! الآن بهترین وقت است که من برای رضایت تو رازداری کرده و از افشای این موضوع صرف نظر کنم و آبروی این زن مسلمان را حفظ کنم. هیچ نگفتم و به همسر قول دادم که چنان که تا به حال کسی ندانسته، از حالا به بعد هم کسی نخواهد دانست.

سال‌ها از آن آزمون سخت می‌گذرد تا به حال هم با آن زن زندگی می‌کنم. احدی جز خدا ماجرا را نمی‌داند تا این که الآن شما اصرار کردید و من امر شما را اطاعت کردم.

علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با تحسین رازداری وی، گفت: ای مرد! به خدا در آزمون مهمی برنده شده‌ای و عمل بزرگی را تسلیم خدا کرده‌ای! حالیا دعا کن! قهوه‌چی به میان جمعیت آمد و دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! مردم محتاج رحمت تو هستند. علی علیه السلام پیغام داده که

من دعا کنم. از پیشگاهت برای خود و مردم طلب عفو می‌کنم. باران رحمت خویش را نازل فرما! دست‌های مردم بلند بود که ابرها در آسمان ظاهر گردید و باران رحمت الهی آغاز شد.^۱

پ) عدم استفاده ایزاری از فرزند علیه همدیگر

متأسفانه در بسیاری از موارد، پدران و مادران پس از طلاق پای کودکان را نیز به مشاجره‌های خود باز کرده و آنان را قربانی خودخواهی می‌کنند، به نحوی که کودک از حقوق اولیه خود محروم می‌شود. این در حالی است که والدین جدا شده باید با گذشت و فداکاری، مقدمات جلوگیری از آسیب دیدن فرزندان حاصل از ازدواج ناکام خود را فراهم آورند تا از آسیب‌های آینده‌ی آنان جلوگیری نمایند. والدین باید هر دو به فرزندان رسماً اعلام کنند که به هر دلیلی نتوانسته‌اند با یکدیگر زندگی کنند، اما پس از این نیز همچون گذشته مسئولیت پدر و مادر بودن را به طور مشترک و کامل ایفا می‌کنند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «... وَ اتَّامِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزِضِعْ لَهُ الْآخِرِي»^۲ و [درباره فرزندان، کار را] با مشاوره شایسته انجام دهید و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد. پدر و مادر موظفند خدا را در نظر گیرند، و منافع نوزاد بی دفاع را فدای اختلافات و اغراض خویش نکنند، بنابراین، زوجین باید به این اصول اخلاق اسلامی توجه کنند:

۱. اگر دادگاه طبق قانون به نفع هر یک از زوجین حکم صادر کرد، زوج یا زوجه از فرصت پیش‌آمده برای فشار به طرف مقابل استفاده نکنند و این حکم را فرصت مناسبی برای اذیت طرف مقابل تلقی ننمایند.

۲. هیچ وقت فرزند را نسبت به پدر یا مادرش بدبین نکنند چون فرزند هم به پدر و هم مادر نیاز دارد.

۳. فرزند را از دیدار و ملاقات با پدر یا مادر محروم نسازند.

۴. در نزد فرزند از همدیگر بدگویی نکنند.

۵. از فرزند به عنوان خیر رسان و جاسوس استفاده نکنند.

۱. میر خلف‌زاده، قاسم، *قصص الدعاء*، ص ۱۳۷.

۲. طلاق، آیه ۶.

د) داشتن روحیه توکل و امید

بعد از طلاق، نگرانی‌هایی به وجود می‌آید که زن را رنج می‌دهد ترس از تنهایی پس از طلاق، احساسی است که زنان بیش از مردان ابراز می‌کنند. این ترس، بیش‌تر ناشی از این نگرانی است که آیا شریک زندگی دیگری خواهند داشت؟ ترس و یأس از این‌که نتوانند بدون یک مرد زندگی کنند و فرزندان خویش را به تنهایی اداره نمایند و شغلی بیابند و از نظر مالی خود و فرزندانشان را اداره کنند، این ترس‌های واقعی، ناشی از تردیدهای واقع‌بینانه درباره مسائل مالی، بازار کار، مشکلات بزرگ کردن فرزندان به تنهایی و تغییر در زندگی فردی و اجتماعی است.^۱

گاهی زنان طلاق‌گرفته با احساس گناه زیادی در مورد متلاشی شدن خانواده دست به گریبان هستند. به اعتقاد برخی صاحب نظران، مهم‌ترین احساسی که پس از طلاق در پدر و مادر متارکه‌کننده پدید می‌آید، احساس گناه و خیانت نسبت به خوشبختی فرزندان است، به علاوه بیم از آینده‌ای مبهم برای خود و فرزندان، واکنش‌های گوناگونی را در آنان پدید می‌آورد و این وضعیت، احساس گناه را شدت می‌بخشد.^۲

در برخی مواقع، رفتار جامعه با زنان طلاق‌گرفته به گونه‌ای است که آنها احساس می‌کنند دیگر جایی در جامعه ندارند. فرد طلاق‌گرفته نه در مقام یک مجرد است و نه در مقام یک متأهل. زنان طلاق‌گرفته از گزند طعنه‌ها و نگاه‌های کنجکاوانه دوستان، اطرافیان و آشنایان در امان نیستند، کاهش فرصت‌های ازدواج برای زنان طلاق‌گرفته، برخی نسبت به جنس مخالف و مسأله ازدواج، اعتماد خود را از دست می‌دهند و... این در حالی است که اگر بحث جدایی به حق مطرح شود وزن و مرد براساس اصول اسلامی و انسانی و اخلاقی، یکدیگر را رها کرده و حقوق همسرشان را رعایت کنند و در طلاق، ردپایی از شیطان نباشد. احساساتی نشده و عقلانی تصمیم گرفته باشند. خداوند وعده داده است که هر دو آنان را خوشبخت کند، خداوند رحمت و علم و قدرت بی‌متناهیست و این عمل برایش بسیار آسان است: «وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا»^۳ [اما] اگر [راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و] از هم

۱. سوزان فوروارد، مردان زن ستیز، ص ۳۳۵ و ۳۴۰.

۲. فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و ستیزه‌های خانوادگی و طلاق، ص ۱۰۶.

۳. نساء، آیه ۱۳۰.

مجلس بیست و پنجم: توصیه‌های اخلاقی اسلام پس از طلاق (۲) ■ ۲۹۱

جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی‌نیاز می‌کند؛ و خداوند، دارای فضل و کرم، و حکیم است.

این آیه، بسیار عجیب و زیباست، یعنی اگر طلاق به حق صورت پذیرد، جای تردید و نگرانی وجود ندارد؛ چراکه خداوند وعده داده است آینده خوشی را برای هر یک از زوجین رقم زند. در آیات مربوط به طلاق، خود بیانگر این موضوع است که اگر طلاق طبق موازین اسلامی و اخلاقی دینی باشد و فرد در این راه به خداوند توکل کند خداوند متعال برای او کافی است و روزی اش را از جایی که نمی‌داند می‌رساند.^۱

بر این اساس، زن و مرد تصور نکنند که پس از جدایی زندگی به پایان رسیده، بلکه با خوش بینی و امیدواری نسبت به آینده زندگی جدیدی را شروع نمایند، چه بسا - به‌رغم مبعوض بودن طلاق - جدایی به صلاح آنان بوده است.

۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۲۸-۵۲۹.